

رهگذران و موتورسواران بزرگ‌ترین

قربانیان سوانح رانندگی تهران هستند

معاون عملیات پلیس راهور تهران بزرگ گشت ۴۱ درصد سوانح مرگبار بزرگراهی مربوط به موتورسواران و ۴۰ درصد هم مربوط به عابران پیاده است. سرهنگ احسان مؤمنی به «جوان» گفت: بررسی تصادفات بزرگراهی تهران در شش ماه گذشته نشان

می‌دهد که ۱۸۸ نفر به دلیل بی‌احتیاطی و عدم رعایت قوانین و مقررات جان خود را از دست داده‌اند که اگر بخواهیم به صورت روزانه این آمار را بررسی کنیم، حدوداً روزی یک نفر در محورهای

بزرگراهی در شهر تهران جان خود را از دست داده‌است. وی افزود: از مجموع کل تصادفات ۶۳ درصد از فوتی‌های شهر تهران در محورهای بزرگراهی اتفاق می‌افتد. ۳هزارو ۷۳۲ نفر نیز در این مدت مصدوم حوادث رانندگی در صحنه را داشته‌ایم که از طریق اورژانس به مراکز درمانی منتقل شده‌اند که در این بازه زمانی، روزی حدود ۲۰ نفر را شامل می‌شود. همچنین به شش ماهه سال جاری ۱۷هزارو ۸۳۹کروکی تصادف تنظیم شده‌است که روزانه ۱۰۰ کروکی را شامل می‌شود.

معاون عملیات پلیس راهور تهران بزرگ بیان داشت: ۱۹ درصد از تصادفات فوتی در محورهای بزرگراهی مربوط به رانندگان خودرو و سرنشینان آن، ۴۱ درصد مربوط به موتورسواران و ۴۰ درصد نیز مربوط به عابران پیاده است.

سرهنگ مؤمنی افزود: با توجه به آمار ۴۰ درصدی تصادفات فوتی عابران پیاده، باید به این نکته اشاره داشت که عابران پیاده حق تردد در بزرگراه‌ها را ندارند و برای عبور از عرض بزرگراه‌ها باید از پل‌های هوایی و زیر گذرها استفاده کنند که متأسفانه عابر غیرایمن و غیرمجاز عابران پیاده از سطح محورهای بزرگراهی عبور شده که ۴۰ درصد از فوتی‌ها مربوط به عابران پیاده بشود که اگر این عابران این موضوع را رعایت می‌کردند، مسلماً این آمار بسیار کاهش پیدا می‌کرد.

وی گفت: در این آمار ۴۱ درصد مربوط به موتورسواران است که توصیه همیشگی پلیس این است که راکبان موتورسیکلت با توجه به وضعیت سرعت در بزرگراه‌ها مخصوصاً محورهای شمالی به جنوبی مانند بزرگراه امام‌علی (ع)، شهید چمران، ستاری که شیب‌دار هستند، از تردد در محورهای بزرگراهی خودداری نکنند. در محورهای بزرگراهی به دلیل سرعت زیاد خودروها یا موتورسیکلت با آنها برخورد دارد و با اینکه خودروها به شدت با موتورسواران برخورد می‌کنند که باعث فوت موتورسواران می‌شود.

معاون عملیات پلیس راهور تهران بزرگ اظهار داشت: اگر دو مؤلفه عابر و موتورسیکلت از محورهای بزرگراهی ما حذف شود، ببینید که چه عدد بزرگی از تصادفات فوتی ما در شهر تهران کاهش پیدا می‌کند که ۸۱ درصد را شامل می‌شود.



عاملان شهادت مأمور پلیس اعدام شدند

عاملان شهادت مأمور پلیس در شهرستان خمین در ملأعام اعدام شدند.

ستوان یکم شهید «مرتضی براتی» متولد سال ۱۳۵۲ از مأموران کلانتری ۱۲ شهرستان «خمین» بامداد روز سه‌شنبه ۱۴۹۶ آذرماه در جیان درگیری با سارقان مسلح احشام در میدان جباب این شهرستان به شهادت رسید.

به دنبال وقوع حادثه، تلاش پلیس برای بازداشت عاملان حادثه به جریان افتاد تااینکه مأموران موفق شدند عاملان حادثه را بازداشت کنند. ابراهیم کمیزی، دادستان شهرستان خمین با اشاره به اینکه متهمان این پرونده چندین فقره سابقه سرقت داشتند، گفت: با کامل شدن تحقیقات، بازپرس متهمان را به جرم محاربه مجرم شناخت و پرونده با صدور کیفرخواست ششم بهمن‌ماه ۱۴۰۰ به دادگاه انقلاب ارجاع شد.

دادگاه پس از انجام تشریفات قانونی دو نفر از متهمان را به اتهام مشارکت در محاربه از طریق تیراندازی و از بین بردن امنیت راه‌ها به اعدام محکوم کرد. حکم متهمان به دیوان عالی کشور ارسال شد که حکم صادره تأیید و سحرگاه دیروز اجرا شد.

شمار قربانیان مسمومیت الکلی

به ۸ نفر رسید

مدیر کل پزشکی قانونی مازندران از افزایش شمار فوتی‌های ناشی از مسمومیت الکلی به هشت نفر در استان داد.

علی عباسی گفت: طی بررسی‌های پزشکی قانونی تعداد فوتی‌های ناشی از مصرف الکل به هشت نفر افزایش پیدا کرده است.

وی ادامه داد: از فوتی‌ها شش نفر در غرب استان و دو نفر در آمل بودند و با توجه به بستری بودن تعداد بیماران بدحال، احتمال افزایش فوتی‌ها وجود دارد.

بر اساس اعلام علوم پزشکی مازندران حدود ۶۰ نفر بر اثر مصرف الکل تقلبی دچار مسمومیت شدند.

سه نفر از مأموران پلیس در جریان

سه حادثه جداگانه در استان سیستان و بلوچستان به شهادت رسیدند.

شامگاه یکشنبه یکی از مرزبان جنوبشرق کشور به نام ستوان دوم «امیر محمدامیری» هنگام پایش مرزی با شلیک اشرار مسلح از آن سوی مرز هدف قرار گرفت و به شهادت رسید. شهید ستوان دوم امیرمحمدامیری اهل شهرستان درگز بود.

در جریان حادثه‌ای دیگر که در هنگ مرزی جکیگور اتفاق افتاد یک مرزبان دیگر نیز در حمله گروهک‌های تروریستی مسلح به شهادت رسید. سردار رضا شجاعی، فرمانده مرزبانی استان سیستان و بلوچستان گفت: مأموران گروهان مرزی موزتان هنگ مرزی جکیگور در حال حمل جیره غذایی مرزبانان در حوالی روستای پشماک شهر ستان راسک بودند که مورد حمله گروهک تروریستی قرار گرفتند و مرزبانان با آنها درگیر شدند. سردار شجاعی با اشاره به آتش سنگین مرزداران و تحمیل تلفات احتمالی به گروهک تروریستی گفت: در این حمله سرباز و وظیفه



☞ شهیدامیرمحمدامیری

«مهدی بلوچی» از مأموران هنگ مرزی جکیگور

به شهادت رسید. وی با اشاره به اینکه تلاش برای دستگیری عاملان شهادت مرزبانان وظیفه‌شناس آغاز شده است، خاطرنشان کرد: تروریست‌های کوردل پداند با حملات ناچوانمردانه و به شهادت رساندن مأموران پلیس عزم ما بیش از پیش برای مقابله با اقدامات



☞ شهیدمهدی بلوچی

کور تروریست‌ها و اشرار مسلح مستحکم‌تر شده و امنیت مردم خط قرمز پلیس بوده و دشمنان قسم‌خورده نظام نخواهند توانست به اهداف شوم و شیطانی خود که ایجاد ناامنی و برهم‌زدن امنیت مردم است، برسند.

شهید وظیفه «مهدی بلوچی» اهل سنت مجرد و ساکن استان سیستان و بلوچستان شهرستان



☞ شهیدرامین ولایتی

نیکشهر بود.

در جریان حادثه‌ای دیگر که شامگاه یکشنبه اتفاق افتاد استوار یکم «رامین ولایتی» از مأموران یگان تاکواری شهرستان خاش توسط تروریست‌های مسلح گروهک تروریستی جیش الظالم ترور شد که تحقیقات پلیس برای بازداشت عاملان حادثه جریان دارد.

کشف راز مرگ آتشین ۳عضویک خانواده پی‌از یک‌سال

■ غلامرضا مسکنی

پرونده مرگ آتشین سه عضو خانواده‌ای که یک سال قبل در جریان حاده آتش‌سوزی جان باخت‌به بودند با اظهارات مرد همسایه به

برای همیشه به با یگانگی سپرده شد. ساعت ۷:۱۰ عصر روز شنبه ۲۲مهرماه سال گذشته به آتش‌نشانان تهران و مأموران پلیس خبر رسید ساختمانی مسکونی در خیابان ولیعصر نزدیکی خیابان زرتشت‌دچار آتش‌سوزی شده است.

وقتی آتش‌نشانان به محل حادثه رسیدند، مشاهده کردند طبقه چهارم ساختمانی که زوج میانسانی همراه دختر جوانشان در آن زندگی می‌کنند آتش گرفته است. پس از اطفا ی حریق، آتش‌نشانان و مأموران پلیس یکپارچه تیم‌جانب و سوخته‌اعضای خانواده را به بیمارستان منتقل کردند، اما ساعتی از حادثه نگذشته بود که تیم پزشکی اعلام کرد هر سه عضو این خانواده بر اثر شدت سوختگی به کام مرگ رفته‌اند.

■ آتش‌سوزی عمدی

با اعلام خبر مرگ پدرام، همسر و دختر جوانش، پرونده به دستور قاضی سالار، مستعتر، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

■ شاگرد مغازه

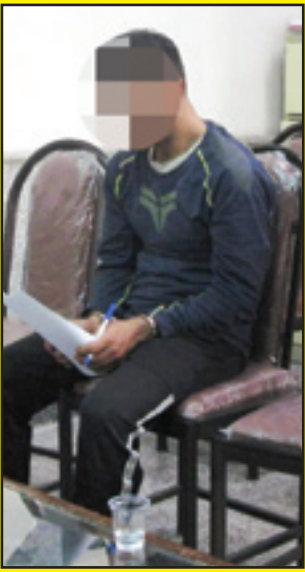
مأموران پلیس با حفظ صحنه قتل حادثه را به‌زیرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران اطلاع دادند و لطفانی بعد قاضی موسی به ارتکاب قتل زده بازداشت شد.

ساعت ۳۰ دقیقه بامداد دیروز دوشنبه نیم مهرماه به مأموران پلیس تهران خبر رسید دو

پسر جوان در خیابان پرواز در محله پیروزی تهران درگیری در خیابان را رقم زده‌اند. با اعلام این خبر تیمی از مأموران کلانتری ۱۱۰ شهدا راهی محل شدند و مقابل فروشگاه مارکتی با جسد خونین پسر ۲۵ ساله اتباعی روبرو شدند که با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده‌بود.

■ قهرمان بوکسور

قائل پسر ۳۰ ساله‌ای است که مدعی است قهرمان بوکس است و چندین مدال کشوری و استانی در کارنامه‌اش دارد، اما پس از اینکه معتاد به موادمخدر گل می‌شود، سرنوشت زندگی‌اش تغییر می‌کند.



■ ارسلان مقتول را می‌شناختی؟

نه، من اولین‌بار بود که او را دیده بودم.

چرا با او درگیر شدی؟

او به محل کارم آمده‌بود تا به هواخواهی دوستش با من درگیر شود. می‌خواست از من زهر چشم بگیرد، اما جانش را از دست داد. البته من هم قصد قتل او نداشتم.

■ با دوستش اختلاف داشتی؟

نه، با دوستش اختلافی نداشتم، اما مدتی قبل سر موضوعی با هم درگیر شدیم.

■ چه موضوعی؟

من حدود سه ماه قبل برای کار به فروشگاه مارکت رفتم و استخدام شدم. صاحب فروشگاه به من گفته‌بود وسایل فقهه‌ها را مرتب کنم، اما قبل از من پسر جوان افغانی که او هم در فروشگاه کار می‌کرد، فقهسه‌ها را مرتب می‌کرد. او فکر می‌کرد من جای او را گرفته‌ام و نسبت به من حسودی می‌کرد و به همین دلیل چند باری ما با هم مشاجره لفظی کردیم تا اینکه یک شب به صورت ناگهانی قوطی کنسروی را محکم به سرم زده، به طوری که من برای لحظاتی گیج شدم. او فرار کرد، چون می‌دانستم من قهرمان بوکس هستم و اگر دستم به او برسد ناگوتش می‌کنم. البته بعد از این حادثه، صاحب فروشگاه او را اخراج کرد و

بررسی دوربین‌های مدار بسته محل حادثه هیچ سرنخی پیدا نکردند و دریافتند روز حادثه هیچ فرد یا افرادی به خانه آنها آمد شد نداشت‌اند. همچنین گفته‌های همسایه‌ها هم نشان می‌داد چند روز قبل از حادثه، فردی از دوستان یا بستگان آنها به ساختمان رفت و آمد نداشته است.

■ قتل خانوادگی

بدین ترتیب فرضیه قتل خانوادگی برای مأموران قوت گرفت، اما آنها هیچ سرنخی برای اثبات این فرضیه‌شان پیدا نکردند تا اینکه چند روز قبل مرد میانسانی به اداره پلیس رفت و راز مرگ سه عضو خانواده را بر ملا کرد.

وی گفت: «پدرام همراه خانواده‌اش چند سالی پیش با همسایه‌ها پیدا کردند تا اینکه چند روزی می‌کردیم، از آنجایی که واحد ما روبروی واحد آنها بود، متوجه شدم زن و شوهر با هم اختلاف دارند چون همیشه صدای درگیری، کتک‌کاری و مشاجره‌های آنها به گوشم می‌رسید. البته همسایه‌ها خبر داشتند آنها با هم اختلاف دارند، اما هیچ کسی جز من خبر نداشتم که پدرام، همسر و دخترش را به آتش کشید و بعد خودش طعمه حریق شد و جانش را از دست داد. روز حادثه وقتی متوجه آتش‌سوزی شدم با همسایه‌ها تلاش

مارکت است.

یکی از رهگذران که حادثه را به پلیس خبر داده‌بود، گفت: «در حال عبور بودم که دیدم دو پسر جوان در حال کتک کاری هستند. لحظاتی بعد یکی از آنها داخل فروشگاه مارکت رفت و با چاقویی بر گشت و ضرباتی به پسر جوان زد و فرار کرد. پسر جوان خونین روی زمین افتاد و قبل از رسیدن آمبولانس جانش را از دست داد.» صاحب فروشگاه مارکت هم در تحقیقات پلیسی اعلام کرد قاتل ارسلان نام دارد و بیشتر به فروشگاه است و سپس اطلاعات او را در اختیار مأموران قرار داد.

دوستش هم آن شب برای تلاقی آمده‌بود که این حادثه رخ داد.

شما که قهرمان بوکس هستی، چرا ورزش ادامه ندادی؟

معتاد شدم، واقعیتش من از دوران کودکی علاقه زیادی به ورزش‌های رزمی داشتم و بوکس را به صورت حرفه‌ای ادامه دادم و نایب قهرمان کشور هم شدم. در طول ورزش‌چند باری مقام‌های اول استانی آوردم و یکبار هم مقام دوم کشوری را به دست آوردم، وقتی مدال نقره گرفتم، فکر می‌کردم آینده‌ای درخشان دارم و دوست داشتم ورزش را ادامه دهم و حتی به تیم ملی هم دعوت شدم، اما به اعتیاد به موادمخدر گل زندگی‌ام را سپاه کرد و حال و روزم این شد.

■ چرا معتاد شدی؟

تا زمانی که پدر و مادرم زنده بودند، همه چیز مرتب بود و من ورزش می‌کردم، اما بعد از مرگ پدر و مادرم همه چیز به هم خورد. برادران و خواهرانم از دواج کردند و من تنها شدم. البته مدتی با خواهر کوچک‌ترم زندگی کردم و وقتی او هم ازدواج کرد، تنها شدم. پس از این در رفت و آمد با دوستان ناباب معتاد به موادمخدر گل شدم و ورزش را رها کردم. مدتی مصرف زیاد بود تا اینکه مصرف‌م را کم کردم تا بتوانم کار کنم.

کردیم آتش را خاموش کنیم و من قبل از اینکه آتش‌نشانان برسند به داخل خانه رفتم و خودم را به آنها رساندم. همسر پدرام به سختی نفس می‌کشید و به من گفت با شوهرم درگیر شدم و او هم بنزین داخل بطری را روی من و دخترم پاشید و کبریت را روشن کرد، اما لباس‌های خودش هم آغشته به بنزین بود و آتش گرفت. من در این یک سال می‌ترسیدم واقعیت را بگویم و احتمال می‌دادم همسرش به خاطر اختلاف با شوهرش به دروغ حادثه آتش‌سوزی را به گردن شوهرش انداخته، اما مدتی قبل که از طریق بستگان‌شان فهمیدم آتش‌نشانان اعلام کرده‌اند آتش‌سوزی عمدی بوده عذاب‌و جان به سراغم آمد و تصمیم گرفتم واقعیت قتل مادر و دختر به دست پدر خانواده را برملا کنم.» با اظهاراتی که مرد مسایه در اختیار مأموران قرار داد، کارآگاهان دست به تحقیقات میدانی زدند و متوجه شدند پدرام اختلاف زیادی با همسر و دخترش داشته و حتی چند باری هم آنها را تهدید به مرگ کرده‌است. از طرفی هم نتایج پزشکی قانونی و کارشناسان آتش‌نشانی گفته‌های مرد همسایه را تأیید می‌کرد. بنابراین با مشخص شدن عامل حادثه مرگبار و از آنجایی که قاتل در حریق شده و جانش را از دست داده بود، پرونده به دستور بازپرس جنایی بسته شد.

قتل بر سر نگاه چپ

■ اعتراف

با شناسایی قاتل، مأموران هم‌زمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی به محل زندگی ارسلان رفتند و وی را بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند.

متهم در بازجویی‌ها با اظهار پشیمانی به قتل پسر جوان اعتراف کرد و گفت: هیچ اختلافی با مقتول نداشته اما با دوست مقتول اختلاف داشسته و مقتول هم به هواخواهی دوستش درگیری را رقم زده و جانش را از دست داده‌است. متهم در ادامه برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره دوم پلیس آگاهی قرار گرفت.

تازه زندگی‌ام داشت روی روال می‌افتاد که آن شب درگیری در دکتب قتل شدم.

■ درباره شب حادثه توضیح بده؟

آن شب مشکول جابه‌جایی وسایل بودم که دیدم پسر جوانی پشت و بترین به من چپ‌چپ نگاه می‌کند. او سدام مرا زیر نظر داشت و با چشمش مرا می‌پایید و من به او مشکوک شدم و از فروشگاه بیرون آمدم، به او گفتم چرا به من چپ‌چپ نگاه می‌کنی. مقتول به من گفت تو باعث اخراج دوستم شدی و آمده‌ام تنبیهات کنم. به او گفتم دوست خودش باعث اخراجش شد، اما به خرچش نرفت و با هم درگیر شدیم. ما با مشت و لگد چند ضربه‌ای به او زدم و او هم فرار کرد. وقتی به داخل فروشگاه آمدم، دوباره دیدم او جلوی فروشگاه آمده‌است که این بار اشتباه کردم و چاقویی از فروشگاه برداشتم تا او را بترسانم، اما در درگیری متوجه نشدم چه اتفاقی رخ داد.

■ بعد از حادثه کجا رفتی؟

به خانه‌ام رفتم، اما فکر نمی‌کردم او به قتل برسد و می‌خواستم صبح از دوستانم، جوایای احوال او شوم که مأموران مرا بازداشت کرده‌اند. الان چه احساسی داری؟

پشیمان هستم. می‌خواستم قهرمان شوم، اما اعتیاد مرا قاتل کرد.

حواالت

سرویس حوادث، ۶۰، ۸۵۲۳۰



عاملان قتل استاد دانشگاه محاکمه می‌شوند

■ آرمین بینا

عروس خیانتکار که با همدستی مرد مورد علاقه‌اش شوهرش را که یکی از اساتید دانشگاه بود به قتل رسانده بودند در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شوند.

۲۷ آذرماه ۱۴۰۱ مرد میانسانی در تهران به اداره پلیس رفت و از کم شدن ناگهانی پسرش به نام حمید شکایت کرد.

وی گفت: «پسرم استاد دانشگاه است و چند سال قبل با دختری به نام ششین نامزد کرد، اما آنها هنوز با هم زندگی مشترکشان را آغاز نکردند. یک روز قبل او خیلی عصبانی بود و از خانه بیرون رفت و دیگر بازنگشت. تلفن همراه او و نامزدش خاموش است و نگرانیم برای آنها اتفاقی رخ داده باشد.»

با شکایت مرد میانسال، پرونده به دستور قاضی عظیم سهرابی، بازپرس شعبه نهم دادسرای امور جنایی در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. مأموران در بررسی‌های میدانی و فنی هیچ ردی از زوج گمشده پیدا نکردند تا اینکه مدتی بعد یکی از دوستان نزدیک ششین به نام روبا به اداره پلیس رفت و راز کم شدن استاد دانشگاه را فاش کرد.

وی گفت: «من در یک کافی‌شاپ با ششین آشنا شدم و با اطلاعاتی که روبا در اختیار مأموران قرار داد، بررسی‌ها نشان داد مأموران جسد سوخته شده‌ای را کشف و به پزشکی قانونی منتقل کرده‌اند. با شناسایی هویت جسد، پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد و مأموران ششین و کامران را پس از چند ماه در مخفیگاهشان بازداشت کردند. مأموران در یافتند دو متهم دو بار قصد خروج از ایران را داشتند که موفق نشدند.

دو متهم در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کردند. کامران گفت: «مدتی قبل با ششین در کافی‌شاپ آشنا و متوجه شدم با شوهرش اختلاف دارد. روز حادثه من و ششین با شوهرش قرار گذاشتیم تا با هم صحبت کنیم که در درگیری او به قتل رسید. پس از آن جسد را به جاده دماوند بردیم و آتش زدیم.»

ششین هم در بازجویی‌ها به جرم خود اعتراف کرد و گفت کامران قاتل است.

بدین ترتیب دو متهم راهی زندان شدند و چند روز قبل کیفرخواست پرونده‌شان صادر شد. متهمان به زودی در دادگاه محاکمه می‌شوند.



بازداشت ۷ عضو یک شبکه هرمی در پایتخت

اعضای یک شبکه هرمی همی خبر داد که با گروگان گرفتن قربانیان خود از خانواده‌ها پیشان اخاذی می‌کردند، در جریان عملیات‌های پلیس امنیت تهران و قم بازداشت شدند. سرهنگ سعید راستی، رئیس مرکز عملیات پلیس اطلاعات فرامدهی انتظامی تهران بزرگ گفت: چند روز قبل اعضای خانواده‌ای پلیس را از ماجرای آدم‌ربایی با خبر کردند. آنها به پلیس گفتند پسرشان برای کار به تهران رفته‌بود، اما به طرز مشکوکی ناپدید شده‌است. مأموران پلیس با بررسی اطلاعاتی که شاکي در اختیار پلیس گذاشت متوجه شدند پسر گمشده در دام اعضای شبکه هرمی گرفتار شده‌است. تحقیقات بعدی نشان داد که اعضای یک بان در ج آگهی استخدام در سایت‌های دیوار و شیپور و وعده استخدام جوانان در شرکت‌های مختلف برای مصاحبه و گزینش به تهران دعوت کرده و پس از قرار گذاشتن در یک پارک آنها را مخفیگاهشان گشاده‌و از هر کدام ۳۵ تا ۲۰۰ میلیون تومان پول گرفت‌اند. با کامل شدن بررسی‌های در این‌باره کارآگاهان پلیس موفق شدند هفت لیدر اصلی باند را بازداشت کنند. بررسی‌های پلیس در این‌باره ادامه دارد.